پاینده ایران

نامه رهبر پان ایرانیسم

به

رئیس جمهور ایالات متحده امریکا

www.iranarchive.com

www.iran-archive.com

از انتشارات حزب پان ایرانیست
دفتر تشکیلات پاریس
۵ فرانک

آقای رونالد ریگان ، ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا

اکنون کمبیش از یکماه است که شما رسما آغاز بکار کرده اید ، بسبب ضرورتهای خاص این برهه از زمان ، بعنوان یک ایرانی میهن پرست و آزادیخواه و نیز در مقام رهبری حزبی که سالهای متمادی است - چه در دوران گذشته و چه در زمان استبداد سیاه کنونی - به سبب مبارزه پیگیر با هرگونه اقدام سالب حق حاکمیت ملی و نیز به سبب دفاع از حقوق ومنافع ، هویت فرهنگی ، تاریخی ، سیاسی و اقتصادی ملت ایران ، مورد انواع ستم ها و ناملایمات بوده و هست ، این نامه را بسوی شما میفرستم .

از مهمترین انگیزه های ارسال این نامه ، ابراز برخی داوری و اظهار نظرهای ناروا است که از سوی آقای کارتر و نیز شخص شما ، چه هنگام مبارزات انتخاباتی و چه پس از پیروزی در انتخابات نسبت به ملت ایران ابراز گردیده است .

این گونه اظهار نظرو داوریهای نادرست که غالبا از سوی مسئولان حکومتی و وسائل ارتباط جمعی ایالات متحده آمریکا و برخی دیگر از کشورها ، بویژه کشورهای جهان غرب نسبت به ملت مبارز و حق طلب ایران ابراز میشود ، بدان گونه است که گوئی میخواهند مسئولیت آنچه را که بیش از دو سال است براساس اعمال سیاست مداخله جویانه دیرین قدرتهای سلطه جو و استعماری نسبت به سرنوشت ملت ایران ، وضع خاورمیانه و وقایع دیگر جهانی مربوط به آن رخ داده است ، متوجه ملت ایران نمایند .

شگفت آور اینکه ، اینگونه اظهار نظرو داوریهای نادرست نسبت بملت ایران غالبا از سوی مقامات مسئول و وسائل ارتباط جمعی چند کشور عمده جهان غرب که دو سال و چند ماه پیش بدنبال اقدامات مداخله جویانه خود در کنفرانس " گوادالوپ " گرد آمدند ، ابراز میشود . سران پنج کشور مزبور با استفاده از ضعف و زبونی گردانندگان رژیم وقت ایران و عملا با همکاری نزدیک با سیاست استعماری روسیه شوروی ، ملت ایران و سرنوشت جنبش بحق و آزادیبخش طلب ملت ایران را قربانی مطامع و طرحهای هم آهنگ استعماری و سلطه جوی خود نمودند .

بدیهی است ، اقدامات مزبور که با اقدامات سالهای متمادی پیش از آن پیوسته و مرتبط بود و بحق باید بر مجموعه ی آن نام " طرح سقوط ایران در این مرحله از تاریخ " را گذارد ، نه تنها زندگی و سرنوشت ملت ایران را دچار نابسامانیها و از هم پاشیدگی بسیار نمود بلکه از آنجا که بهرحال موجودیت ملت ایران با زندگی جامعه ی بشری پیوندی هزاران ساله و نقش آفرین دارد و از آنجا که " ایران " در یکی از حساسترین مناطق استراتژیکی جهان قرار گرفته است ، تعدیات و مصائبی که از این طریق متوجه ملت ایران گردیده ، تمامی منطقه و نیز بسیاری از وقایع جهانی را دچار ابهامات و مخاطرات بسیار نموده است .

ضرور به یادآوری است که طرح " سقوط ایران در این مرحله از تاریخ " ، مستقیما با مداخله قدرتهای استعمارگر و سلطه جوی جهانی و با مباشرت نظام نالایق و فاسد حاکم ی وقت ایران و نیز با مشارکت عناصر فرومایه و ضد ملی که اکنون رژیم " استبداد سیاه " حاکم بر ایران را بر پا داشته اند ، بمورد اجرا گذارده شده است .

شگفتا ، اکنون طراحان و مسببین اجرای این طرح شوم در سلح زدو بندهای بین -

www.iran-archive.com

المللی که بسبب موضع وقدرت خاص جهانی ، دولت ایالات متحده آمریکا ، اساسی ترین نقش اجرائی آن را بعهده داشته است ، میخواهند مسئولیتها را متوجه ملت مبارز و ستم کشیده ایران نمایند . آنگاه بدین سبب ، مسئولان ووسائل ارتباط جمعی چنین قدرتهای استعمارگر که زندگی ملتهای بسیاری را درجهان دچار تعدیات وستمها ومظالم هولناک نموده اند ، ملت ایران را که دیرپا ترین وغنی ترین میراث هزاران ساله فرهنگ رخشای انسانی را پشت سر دارد ، بعنوان " وحشی " و " بربر " خطاب مینمایند ؟!

اکنون که طرح تخیلی ایجاد زنجیره ی بهم پیوسته " مذهبی منلق " (طرحی که آز مایش غیرقابل اجرا بودن آن لا اقل سابقه یکصد ساله دارد) درمنطقه دچار شکست شده است ، اکنون که شکست چنین طرحی ، منطقه وسرنوشت جهان را با مشکلات ودشواریهای بسیار روبرو نموده است ، قدرتهای سلطه گرجهانی ، یعنی دست اندرکاران اجرای طرح ، ملت ایران را که بگمان آنها میبایست قربانی میگردید ، مسئول ناپختگی ونتایج سوء اجرای چنین استراتژی زیانبخش ومغرضانه ای میدانند ؟!

این ملت ایران است که بسبب اجرای چنین طرح استعماری ، ازسوی قدرتمندان مداخله جوی جهانی وسلطه ی بیش ازحد ابرقدرتها درسرنوشت ملتهای جهان وازهمه مهمتر بسبب ترس وجبن نظام حاکمه ی وقت ایران که سالهای بسیار با قانون شکنی ، سلب حق حاکمیت ملی ، با اشاعه ی تبعیض ونابسامانیهای بسیار وظلم وفساد ، شرائط را برای حوادث بسیار آماده ساخت ودرغایت نیزدستور قدرتهای سلطه جوی جهانی را برای سقوط ایران دراین مرحله ازتاریخ بپذیرا شد که میبایست پذیرا نشود ، قربانی چنین طرح واستراتژی استعماری ابرقدرتها گردید .

آقای ریگان : گذشته ازمسئولیت بی چون وچرای کل سیستم حکومتی آمریکا در - طرح ریزی وپویژه درمورد اجرای " طرح سقوط ایران دراین مرحله ازتاریخ " ، هرگاه بسبب پی آمدهای ناخوش آیند ، درنظام حکومتی آمریکا درجستجوی مسئولین هستید ، بایدبه مسئولیتهای اجتناب ناپذیر کسانی چون آقای کارتر ، ژنرال هایزر و آقای سولیوان توجه نمائید .

هرچندبسبب مسئولیتی که شما بعنوان رئیس جمهور دولت ایالات متحده آمریکا بعهده دارید ، بیگمان پرونده های حوادث ووقایع مهم گذشته وحال جهان وازجمله پرونده های مربوط به طرح استعماری " سقوط ایران دراین مرحله ازتاریخ " که طرحی درازمدت بوده است ، بررسی خواهیدنمود . بازهم گمان میرود ، بسبب چنین مسئولیتی درباره تاریخ تکوین وادامه حیات ملتها ونیزدرمورد نقش هریک ازآنها درشکل دادن وتکامل تمدن وفرهنگ بشری بررسی خواهیدنمود . هرگاه چنین بررسی انجام پذیرد ، نتیجه جزاین نخواهدبود که : بهرحال بشریت به حضوروادامه حیات ملت ایران نیازمند است . حضوروادامه حیات ملت ایران درقلب جامعه ی بشری بعنوان ضرورتی اجتناب - ناپذیر ، جزدرپناه یگانگی ، نیرومندی وآزادگی ملت با فرهنگ ایران ، میسورنتوانند بود . با این همه ، ضروربنظرمیرسد ، برخی ازدلائل توجیهی قسمت صدراین نامه را بیان کنم :

۱ - نگرشی کوتاه برتاریخ ملت ایران وفرهنگ ایرانی

www.iran-archive.com

اززمانهای ناشناخته تاریخ که لااقل به هفت هزار سال پیش میرسد، درقلب آسیاء یعنی قلب جهان مسکون آن زمان، درپهنه‌ی گسترده‌ی "فلات ایران" بنیادهای مدنیت وفرهنگ برپا گردید. تیره های آریائی ازسرزمینهای شمالی بسوی فلات ایران سرازیرشدند. آنان، با بومیان ساکن فلات درآمیختندواز این آمیزش قومی وفرهنگی که شاخه‌ی نیرومندتروگسترده‌ترآن، همین تیره‌های آریائی بودند، فرهنگ انسانی ایران، مدنیت ایرانی ونظام حکومتی وسیاسی جامعه‌ی ایرانی شکل گرفت.

چه ازآن هنگام که آئین "ستایش مهر" وچه ازآن پس که نخستین آئین یکتاپرستی جهان (آئین مزدیسنا)، بوسیله‌زرتشت بزرگ، اندیشمندوپیامبرایرانی، خمیرمایه فرهنگ ومدنیت ایرانی گردید، چه پس ازاسلام آوردن ایرانیان که سپس با الهام از فرهنگ وسنتهای ایرانی، عرفان وتصوف ایران شکوفاشدوتشیع نیزبگونه‌ی یکی از مواضع خاص مذهبی وسیاسی جامعه‌ی بزرگ ایرانی نمودارگردید و چه در نحله‌های دیگر فلسفی، مذهبی، فرهنگی وسیاسی جامعه‌ی بزرگ ایرانی، صیانت "کوهروجودی انسان" پذیرش اصل: زندگی توام با مهرورافت همه‌ی گروهها، اقوام وصاحبان اندیشه ها با- یکدیگر، ازاصول وهدفهای مدنیت قومهای گوناگون جامعه‌ی بزرگ ایرانی است.

ملت ایران باچنین دست آوردفرهنگی وفلسفی، دریکی ازحساسترین مناطق استراتژیکی جهان زیست میکرد. "ایرانزمین"، سرزمین بزرگ قوم های گوناگون ایران، ازآغازتاریخ جامعه بشری تاکنون چونان تقاطع راههای غرب به شرق، شرق به غرب، شمال به جنوب وجنوب به شمال بوده‌است. پس، هرقدرت مهاجم واستیلاگر، برای بسط سلطه‌ی خودوعبوراز این منطقه، با ملت ایران برخوردونبردداشت.

بدین سبب، اقوام ایرانی، گذشته ازوظیفه‌ای که برای حفظ فرهنگ انسانی خود ودفاع ازحقوق وآئین انسانی احساس مینمودند، قرنهای متمادی باسیاستها و مهاجم گوناگون روبروبودند مبنابراین، به نیکی آموختندکه چگونه‌باید ازموجودیت قومی، سیاسی وفرهنگی خوددفاع نمایند.

ویژگیهای فرهنگی وقومی که ازآن نام برده شد، سبب گردید تا درتاریخ چند هزارساله‌ی ملت ایران، چه‌پیش ازاسلام وچه‌پس ازآن، هرگزدر "ایرانزمین" نشانی ازکشتارهای مذهبی ونژادی - به فرض محال اگرهم‌بوده، بدانسان که‌درمناطق دیگر جهان وجودداشته - مشهودنگردد. بلکه‌هرزمان که‌ملت ایران وحکومتهای برخاسته ازفرهنگ ایرانی، نیرو وتوان یافتند، نه‌تنها درسرزمین ایرانیان، نه‌تنها درمنطقه بلکه درهرگوشه‌ی ازجهان به دفاع ازآئین انسانی وحق آزادزیستن وآزاداندیشیدن ملتها برخاستند. بدیهی است، سرزمین وملتی با این ویژگیها هرگزازنستبردهجومهای پیاپی آسوده‌نبود. اما درنهایت، اقوام ایرانی، ازهرمرحله‌ی سخت سرنوشت سرفراز بیرون آمدندویگانگی، هویت فرهنگی، استقلال وموجودیت سرزمینی وسیاسی خودراصیانت نمودند.

۲ - یورشهای قدرتهای استعمارگراروپا برملت ایران وسرزمینهای ایرانی نشین

حدود دویست سال پیش، قدرتهای استعماری اروپا، قصدتعدی وتجاوزبرآسیا را نمودند. درمسیرچنین برنامه‌ای، حاکمیت ومدنیت اقوام ایرانی، سرزمین یگانه

ایرانیان ، سدرا بود . دوسیاست نیرومند استعماری وقت اروپا ، درشرق وغرب این قاره ، سیاست امپراتوری روسیه تزاری وامپراتوری انگلیس ، باهمه‌ی رقابتها وتعارضی که با یکدیگر داشتند ، درمورد ازهم پاشیدن بنیادهای یگانگی ، آزادگی ونیرومندی ایران واقوام ایرانی هم آهنگ شدند .

آنها ، برای رسیدن به مقاصد استعماری خودمیبایست بمانندهر ملت استعمارزده‌ی دیگر ، ازملت ایران نیزسلب حق حاکمیت نمایند . درمسیر اجرای چنین سیاستی ، عناصر فاسد ، نالایق ، خائن وخودکامه را که چه بسا ایرانی نبودند ، برمسندهای قدرت وحکومت قراردادند . چنین عوامل ونظام حاکمه‌ای که بابرخورداری ازحمایتهای آشکار وغیر-آشکار سیاستهای متجاوز استعماری ، غاصبانه برمسندهای قدرت وحکومت تکیه‌زدند ، عناصرمیهن پرست ، مترقی وآزادیخواه را که خواستار ریشه کن نمودن نابسامانیها و اعمال حق حاکمیت ملی بودند ، یا به قتل رساندند ، یا نفی بلد کردندویا بگوشه زندان روانه ساختند .

نتیجه‌ی اجرای چنین سیاست استعماری دویست ساله عبارت بوداز : سلب حق حاکمیت ملی ، تجزیه قوم ها وسرزمینهای ایرانی ، غارت منابع اقتصادی وستر نسج مردم ، گسترش فسادونابسامانی وبسیاری مصائب دیگر .

قبل ازانقلاب مشروطیت ایران ، یعنی حدودیکصد سال پیش بهنگام سلطنت سلطان عبدالحمید ، امپراتور ظالم وسفاک عثمانی ، طرح باصطلاح " انترناسیونالیسم اسلامی " باراهی وحمایت استعمارانگلیس ، وسیله‌ی سید جمال الدین اسدآبادی ، بسودخلافت عثمانی مطرح گردید . ازآنجاکه زیرعنوان مزبورهدفی جزبرانداری ایران وهویت وفرهنگ ملی ایران وجودنداشت ، ملت ایران وبزرگان سیاسی ومذهبی کشور ، با این طرح شوم بمبارزه برخاستند .

حدود یکصد سال بعد ، چنین طرح ونظراتی ، ازآستین گردانندگان " رژیم استبداد سیاه " حاکم برایران وحامیان آنها بیرون آمد .

۳ ـ یورش مجدد سیاستهای استعماری علیه موجودیت ملت ایران

حدودچهل سال پیش (سوم شهریورماه ۱۳۲۰) ، باردیگربهانه‌ی حضورکارشناسان آلمانی درایران ، قوای روس وانگلیس برسرزمین ایرانیان یورش آوردند . آنچه را که ملت ایران طی سالها باخون دل فراهم آورده‌بود ، درهم کوبیدند . نیروی جسوان دریائی ایران رادرخلیج فارس مضمحل ساختند ، افسران وناویان آن راقتل عام نمودند سرزمین ایرانیان به اشغال قوای مهاجم درآمدکه چندی بعد نیروهای مسلح ایالات-متحده آمریکا وکشورهای دیگرنیزبه اشغالگران پیوستند . بیان این نکته ضرورت دارد که طرح شوم هجوم نظامی برملت ایران ومیهن ایرانیان ، با مشورت وتوافق کامل دولت ایالات متحده آمریکا صورت گرفت .

ازهنگام اشغال ایران توسط متفقین ، بسیاری ازمبارزات میهن پرستانه وضد-استعماروضداستبداد ، ازجمله نهضت " پان ایرانیسم " ، سپس نهضت " ملی شدن نفت درسراسرکشور " ونهضتهای ملی وضداستعماردیگرشکل گرفت .

٤ ـ حوادث دودهه و اندی پیش

دودهه و اندی پیش ، زمان مناسبی برای شکوفائی ایران وحرکت ملت ایران بسوی مواضع شایسته سیاسی ، فرهنگی و اقتصادی بود .

جنگ سردمیان ابرقدرتها تا حدودی فروکش کرده بود . درآمد ملت ایران ازمنابع نفتی به یمن قانون " ملی شدن نفت درسراسرکشور " ونیزبرخی قوانین مصوب بعدی ، به نحوچشم گیری افزایش یافت و امنیت برای سالان متمادی درداخل ایران وتاحدودی درمنطقه مستقرشد .

درچنین شرائطی ، ملت ایران که درمیان تمامی ملتهای جهان سوم ، چه ازنظر ظرفیتهای نیروی انسانی وچه ازنظرظرفیتهای فرهنگی ، منابع طبیعی وموقعیت جغرافیائی ازامتیازویژه ای برخوردار است ، با مجاهدت وتلاش بسیار ، هرگونه برنامه توسعه اقتصادی وفرهنگی وسیاسی را استقبال نمود .

درچنان شرائطی "شاه" بابرخورداری ازموقعیت خاص " تاریخی ، ملی و قانونی " خوددرمقام سمبل نظام مشروطیت سلطنتی ایران که این نظام غالب میثاقهای تاریخی ، فرهنگی ، سیاسی ومذهبی ایران را باخودداشت ، میتوانست نقش موثری در انجام تحول این مرحله ازتاریخ هزارهاساله ی ملت ایران ، ایفا نماید .

اما ، باردیگر، عناصرفاسدوخودکامه ، نظام دیرین حاکمه ، سیاستهای استعمارگرو متجاوزخارجی ، گروههای مارکسیست بظاهرنادم وبباطن ایفای نقش کننده ، انترناسیونالیستهای راست بظاهرمذهبی وغیرمذهبی ، همه وهمه برضدایران وبرای مخدوش نمودن ومسخ این مرحله ی حساس ازتاریخ تحولات جامعه ی ایرانی ، دست اندرکارشدند .

درآن هنگام استراتژی دولت ایالات متحده امریکا ، بظاهربرنامه های توسعه اقتصادی ، سیاسی ونظامی ایران ، نقطه تاکیدمیگذارد . اما ، بشرط آنکه این برنامه هرچه بیشترواطمینان بخش تر ، وابسته به قدرتها وعوامل اجرائی دیپلماسی غرب و خصوصا وابسته به سیاست واستراتژی دولت ایالات متحده آمریکا باشد .

شمارش معکوس برای " سقوط ایران دراین مرحله ازتاریخ " باوجوداجرای سریع وظاهری برنامه های توسعه اقتصادی ، سیاسی ونظامی ، ازهمین هنگام آغازگردید .

انترناسیونالیستهای چپ وراست ، عناصرفاسدوغارتگرنظام دیرین حاکمه ، تکنوکراتهای بدون اتکا برهرگونه آرمان وایده آلیسم ملی واجتماعی که صرفا بدنبال موقعیتهای شخصی وخصوصی بودند ، دست دردست هم ، نظام ضد ملی ووابسته به سیاستهای استعماری رابرکشورحاکم ساختندکه ازآن میتوان بعنوان " حکومت توتالیتر- بوروکرات " ، نام برد .

" حکومت توتالیتر- بوروکرات " که باحمایت سیاستهای جهان غرب وبه ویژه باحمایت پیگیردولت ایالات متحده آمریکا ، برملت ایران تحمیل شد ، عملا نقش بازدارنده را درراه امکان توسعه اقتصادی وسیاسی ایران ایفا نمودند .

همین نظام فاسدوخائن وضدملی بودکه درنهایت باهم آهنگی سیاستهای جهانی ضد ایرانی ودرهم آهنگی باشاخه دیگرعوامل سیاستهای ضدایرانی که اکنون برپا کنندگان " رژیم استبدادسیاه " حاکم برایران میباشند ، طرح شوم " سقوط ایران دراین مرحله

ازتاریخ " راپذیراشدند .
نخستین مرحله‌ی شماره‌ش معکوس برای سقوط ایران ، درمسیر تلاش وسیع ملت ایران برای دستیابی به توسعه، نیرومندی وآزادگی ، ازسوی حسنعلی منصورآغازشد - حسنعلی منصور، فرزندعلی منصور، همان خائنی است که درسوم شهریورماه ۱۳۲۰ بعنوان نخست وزیرایران ، ملت ایران رادست بسته وغفلت زده تسلیم متفقین نمود .
حسنعلی منصورکه با حمایت آشکاردولت ایالات متحده آمریکا با تقاق دوستان خودبرمسند حکومت تکیه زده‌بود، با بتصویب رسانیدن تحمیلی قانون مصونیت سیاسی وقضائی مستشاران سیاسی ، نظامی واقتصادی تبعه دولت ایالات متحده آمریکا که درواقع استقرارمجدد نظام " کاپیتولاسیون " درایران بود، پایه‌ی اقدامات بعدی رابرای اجرای طرح " سقوط ایران " فراهم‌ساخت .
ازآن پس ، روند حکومت درمسیرسلب هرچه بیشترحق حاکمیت ملی ، قراردادن شاه درموضعی غیرازموضع قانونی آن ، سلب اختیارات قانونی ازدوقوه مقننه وقضائیه ، سلب آزادیهای فردی واجتماعی ، استقرارنظامات تبعیض آمیز، درزمینه های اقتصادی سیاسی ، فرهنگی ، اداری ودیگرشئون اجتماعی ، قرارگرفت

۵ - حکومت توتالیتر- بوروکرات " ، مهمترین عامل اجرای طرح سقوط ایران

هرگزتردیدنیست که دولت روسیه شوروی به تبع همان سیاست دیرین امپراتوری روس ، نمیتوانست ازحضورایرانی نیرومند، آزادوآگاه برحقوق وموقعیت سیاسی ، جغرافیائی وفرهنگی خودخشنود باشد. بیگمان ، بیش ازهردولت دیگری ، روسیه ازحضورووجودارتش نیرومندایران ، ناخشنودوخشگین بود . بیش از و بیش ازهردولت وکشوردیگر، روسیه شوروی از توسعه اقتصادی ، سیاسی وفرهنگی ونظامی ملت ایران ، نگرانی وعدم رضایت داشت .
اما ، اینکه چرا کشورهای غربی ودرراس آنها دولت ایالات متحده آمریکا ، عملا هم‌آهنگ چنین ناخشنودی روسیه شوروی ودرنتیجه مبارزیکی ازظالمانه ترین توطئه ها برای درهم کوبیدن نیرومندی ایران وپیوند برملت ایران شده، بیگمان پرونده هائی که دراختیارریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا میباشد، میتوانددلائل دقیق آن رابرمردم آمریکا ودیگرملتهای جهان آشکارسازد .
آیا ، شماآقای رئیس جمهور، براستی میخواهیدویاخواهیدتوانست ، دلائلی راکه بیگمان ازمهمترین سندهای محکومیت استعمارغرب وشرق پیوند مبین استراتژی نادرست ایالات متحده آمریکا است ، به‌آگاهی جهانیان برسانید .
گذشته ازمواردی که بیان شده، مجری بخش مهمی ازطرح " سقوط ایران دراین مرحله‌ازتاریخ " ، حکومت سیزده ساله‌ی هویدا ووابستگان مستقیم وغیرمستقیم او بر ایران میباشد . انجام اقداماتی نظیر: اجرای توطئه‌ی بین المللی وضد ایرانی ، تجزیه بحرین . قطع حمایت ازجنبش بحق کردهای ساکن عراق وتسلیم خائنانه آنهابدنبال قرارداد " الجزائر " به حکومت ستمگربغداد ، عدم حمایت ازحقوق انسانی میلیونهاشیعیان ساکن عراق ودیگرمناطق ، مقدمات موثری برای فراهم‌ساختن

www.iran-archive.com

موجبات عصیان وعدم اعتماد مردم، درجهت اجرای برنامه ها وطرح های بعدی بود .

چنین اقداماتی ، هم آهنگ با تجاوزات وتعدیات پیاپی نظام " توتالیتر- بوروکرات " درجهت سلب حق حاکمیت مردم، وابسته نمودن هرچه بیشتر ایران به قدرت های خارجی ، غارت وچپاول دسترنج مردم، سبب گردید تا مردم ایران قیام نمایند و بحق خواستار انجام دگرگونیهای بنیادی شوند .

برکنار نمودن دولت هویدا ، اقدامی صوری وغیرموثربرای توجه به اعتراض وطغیان بحق مردم بود . مردم خواستار اجرای تام وتمام قانون اساسی وقت ، تعقیب ومجازات خاطیان بکشور ومتعدیان بربیت المال مملکت ، ازبین بردن تبعیض اداری ، قضائی ، اقتصادی وفرهنگی بودند .

حکومت یکساله آموزگار وهمکاران او نیزنه تنها نتوانست رافع این مشکلات باشد ، بلکه عملا با اتخاذ روشهائی ازقبیل : سلب هرچه بیشتر حق حاکمیت مردم، تعدی وبورش تبلیغاتی وحتی نظامی برمراکزمذهبی مورداحترام مردم وحتی تعرض به مراجع عالیقدر مذهبی ، سلب هرچه بیشتر اختیارات قوه مقننه وقضائیه، توجه دادن تمامی حوادث ، اقدامات وبرنامه ها وهرگونه راه حل فرضی به شخص " شاه " ، بی اعتنائی به قیام و جنبش همگانی مردم درمناطق گوناگون ایران وبالاخره آتش گشودن بدون سبب برروی مردم وکشتاربسیاری ازآنان ، مرحله ی دیگری ازاوج " سقوط ایران دراین مرحله ازتاریخ " رابموراجرا گذارد .

با اوج گیری طغیان وعکس العمل های مردم، پس ازحوادث خونین درمناطق گوناگون مملکت ، دولت آموزگار برکنار شد .

اما ، نتیجه چه بود؟ دلائل واسناد غیرقابل انکار دلالت دارد که با مداخلات مستقیم قدرتهای بیگانه وبویژه با مداخلات آشکار دولتهای غربی " شریف امامی " بعنوان نخست وزیربه ملت ایران تحمیل شد . شریف امامی ، درارتباط مستقیم با سیاستهای غرب ، برای فراهم آوردن موجبات قطعی انفجار وانهدام نهادهای اجتماعی وسیاسی ایران ، " جمعه سیاه " رابوجودآورد . گروه بسیاری ازمردم بیگناه را کشتار نمود و بدون سبب ارتش را رودررروی مردم قرارداد . کلیه اقدامات شریف امامی که توام با سلب حق حاکمیت مردم ودراختیارگرفتن " شاه " چونان مهره ای فاقدهرگونه تصمیم و اراده بود ، با مشورت کامل گردانندگان سیاست غرب انجام گرفت .

۶ ـ توطئه " اعزام خمینی به پاریس "

شمارس معکوس برای " سقوط ایران دراین مرحله ازتاریخ " به مراحل نهائی خودنزدیک میشد . با صحنه سازیهای رسواکننده ای که حتی عاملان اجرای آن نیز نتوانستند درتوضیحات بعدی خودآنها را کتمان کنند، خمینی را ازعراق به پاریس اعزام نمودند . دربرنامه اعزام خمینی از عراق به پاریس ، نه تنها برخی عوامل که سالیان دراز درآمریکا تعلیم دیده بودند بطور مستقیم شرکت داشتند بلکه تا آنجا که آشکارشده است ، " شریف امامی " رئیس دولت وقت نیزنقش موثری داشت .

خمینی که تا زمان اعزام او ازسوی قدرتهای استعماری غرب وشرق به پاریس ،

هرگز بعنوان "رهبر" ونقش آفرین طغیانها و قیامهای اخیر ملت ایران شناخته نشده بود، با استقرار در پاریس، ناگهان از وسیعترین حمایتهای سیاسی، تبلیغاتی، مالی و امنیتی که بیگمان در تاریخ اینگونه اقدامات دولتهای جهان غرب بیسابقه بوده است برخوردار شد. از این زمان، توطئه‌ی تغییر ماهیت قیام وجنبش بحق ملی وسیاسی جامعه‌ی ایرانی، بگونه‌ی نوعی قیام بظاهر "مذهب گرای مطلق"، با حمایت آشکار تمامی سیاستهای غرب وبا رضایت کامل روسیه شوروی، بمورد اجرا گذارده شد.

با تمهید وبررسی سیاستهای هم آهنگ دولتهای غرب که از تائید ضمنی وتوام با رضایت، روسیه شوروی نیز برخوردار بود، شریف امامی جای خود را به دولت بظاهر نظامی ژنرال ازهاری سپرد. دولت ازهاری که بیشترین وزرای نظامی دولتهای زمان مشروطیت را با خود داشت، با تظاهر به "دولت نظامی" بودن وبا گسیل ارتش بمقابله‌ی بی اثر مردم عاصی وطغیان زده، بدون آنکه بخواهد یا بتواند هیچگونه نقش موثری ایفا نماید، تنها مقدمات اضمحلال، انهدام واعدام ارتش ایران را در "رژیم استبدادسیاه" فراهم ساخت.

۷ ـ "تسلیم شاه"

شاه ناتوان بیمار وعاجز از تصمیم گیری، در چنان شرائط خاطر تاریخی، بجای تن در دادن به اصلاحات بنیادی وانقلابی مورد نظر مردم، بجای مجازات خائنین به کشور ومتجاوزین به بیت المال، بجای قبول اجرای تام وتمام اصول قانون اساسی وقت، بجای قلع هرگونه مداخله منسوبان ونزدیکان خود در امور مملکت، قبول انجام محاکمات قانونی در مورد تعدیات آنان ودر نهایت بجای مقاومت برابر طرح ها وخواستهای سیاست های بیگانه برای انهدام ایران، تسلیم آنان شد. شاه، در آخرین ماهها وروزهای اقامت خود در ایران، با برخی از مبارزان وصاحبنظران، دیدارها ومشورتهائی داشت.

در یکی از دیدارهای خصوصی که دور از چشم عوامل ساواک ودیگر دستگاههای اطلاعاتی داخلی وخارجی با من داشت، به حضور واقدامات غیرقانونی ژنرال هایزر در ایران اشاره نمود. به شاه پیشنهاد نمودم که: سریعا به تشکیل حکومت ملی انقلابی تمکین نماید. محاکمه سریع کسانی را که مردم بحق آنها را از مسببین سلب حق حاکمیت ملی، نقض کنندگان اصول قانون اساسی، متعدیان برحقوق عمومی، چپاولگران بیت المال مملکت، مقدمین واقعی علیه استقلال وتمامیت ارضی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی وموارد دیگر از این قبیل میدانند، حسب مقررات قانونی پذیرا شود. اموال خود ودیگر اعضای دودمان سلطنت را به بیت المال مملکت منتقل نماید. ضمنا به شاه متذکر شدم که چنین دولت انقلابی ملی فورا ژنرال هایزر را بسبب اقدامات او که آشکارا مداخله در امور داخلی ایران ونقض قوانین ایران ونقض مقررات حقوق بین الملل میباشد، باز داشت وتحت پیگرد قرار خواهد داد.

شاه نتوانست به چنین تصمیم مهمی که در آن شرائط فریضه‌ی بی چون وچرای او برابر مردم ایران، قانون اساسی وقت، ارتش ایران وبالاخره برابر تاریخ بود، تن در دهد. شاه، بجای ایفای فریضه‌ی ملی وقانونی خود، به تصمیم سران کشورهای

غرب که از حمایت شعف انگیز و سیه شوروی نیز برخوردار بود، تن در داد . او ایران را ترک نمود و آنگاه در واپسین روزهای زندگی خود در کتاب پاسخ به تاریخ چنین نوشت :

" ... پس از آنکه من ایران را ترک کردم، ژنرال ها یزرتا چندین روز در ایران اقامت داشت . در این هنگام چه گذشت ، تنها چیزی که میتوانم بگویم این است که " ربیعی" فرمانده نیروی هوائی ایران طی محاکمه اش به قضات گفت : " ... ژنرال ها یزر ، شاه را مثل یک موش مرده بخارج از کشور پرتاب کرد ... "

اما ، شاه نمیدانست ، پس از آن مقدمات اضمحلال ارتش نیم میلیون نفری ایران فراهم شد . پس از آن ، مقدمات اعدام بیش از پنج هزار تن از درجه داران و افسران ارتش ایران فراهم گردید که جزء معدودی ، همه ی آنها از شجاعترین ، میهن پرست ترین وصدیق ترین فرزندان وسپاهیان ملت ایران بودند .

از آن پس نیز مراحل گوناگون طرح " سقوط ایران " یکی پس از دیگری بمورد اجرا گذارده شد که اکنون تنها مقاومت ملت ایران ، چون هزاره های تاریخ این کشور ، اجرای قسمت های نهائی چنین طرح شومی را ناممکن ساخته است .

۸ ـ توطئه ی استعماری یورش حکومت بعث " بغداد " بر سرزمینهای ایرانی

در مسیر اجرای برنامه ی " سقوط ایران در این مرحله از تاریخ " ، توطئه ی شوم یورش حکومت بعث " بغداد " بر سرزمینهای ایرانی آغاز گردید .

بی تردید، تمامی دست اندرکاران سیاستهای امپریالیستی (اعم از شرق و غرب) وهمه نیروها وعناصر پیروی کننده از آنان ، در ایجاد این فاجعه نقش داشته اند .

در این نکته تردید نیست که با وجود تبلیغات وسیع رژیم ضد ملی حاکم بر ایران برای نفی هرگونه میهن پرستی و ایران گرائی و با وجود تائید ضمنی و آشکار برخی از عوامل بظاهر ضد " رژیم استبداد سیاه " ، مبنی بر توجیه یورش رژیم بعث بغداد بر ایران ، ملت ایران ، حتی با برپا کردن سدی از پوست ، گوشت و استخوان فرزندان مبارز خود بمقابله با این یورش برخاست . بویژه مردم خوزستان ، بعنوان یکی از اصیل ترین تیره های ایرانی با تمامی وجود به دفاع از " ایرانی بودن " و " وحدت ملی " ، برخاستند .

آنچه در خوزستان گذشت و میگذرد، چون حماسه ی جاودانه تاریخ است .

این نکته مسلم است که یورش حکومت " بغداد " از سوی همان سیاستهای استعماری جهانی که طرح " سقوط ایران " را ریخته و بمورد اجرا گذارده اند، انجام شده است . ضرور است این نکته را بیان کنم که آنچه در این مورد گذشت و میگذرد، استمرار همان استراتژی بین المللی برای " سقوط ایران در این مرحله از تاریخ " میباشد .

بدین سبب ، میهن پرستان و آزادیخواهان ایران ، جهان غرب و در راس آنها دولت ایالات متحده آمریکا را ، مسئول فراهم آوردن مقدمات یورش حکومت بعث " بغداد " بر خوزستان و دیگر مناطق ایران میدانند .

اما ، تردیدی نیست که ملت ایران در این مرحله نیز با پایمردی مقاومت خواهد کرد و بر هر توطئه ی بین المللی پیروز خواهد شد .

www.iran-archive.com

۹ ـ "طرح گروگان گیری در تهران"

بیگمان، پس از زیر نامه‌ی اعزام خمینی از عراق به پاریس، تا کنون موردی دیگری را نمیتوان یافت که بمانند آن سلسله حوادث ووقایعی که از ابتدا تا پایان ماجرا، عنوان "گروگان گیری ۵۲ تن کارکنان سفارت ایالات متحده آمریکا در ایران وآزادی آنها" یافت، از عظیم‌ترین بسیج تبلیغاتی وسیاسی تمامی قدرتهای استعمارگر جهان بویژه قدرتهای جهان غرب، علیه ملت ایران بهره‌گیری ظالمانه شده باشد.

اینکه چگونه وچه قدرتها وعواملی در تنظیم واجرای طرح مزبور مداخله داشته اند، بحثی است که همگان کم وبیش بر آن آگاهی دارند. اما، آنچه بعنوان گروگان‌گیری ۵۲ تن کارکنان سفارت ایالات متحده آمریکا با مباشرت چند روحانی نما وبرخی از کمونیستهای سابق ولاحق ونیز با تائید ضمنی وآشکار عوامل که شهرت به ارتباط با دیپلماسی غرب وبویژه آمریکا دارند، از ابتدا برای عناصر آگاه وروشن بین، مدلل میساخت که چنین اقدامی جزدر مسیر مبارزه ومعارضه با حقوق ملت ایران وجزدر مسیر تامین منافع غائی قدرتهای استعمارگر نیست.

توجه به نتائج حاصله از اجرای طرح مزبور، تا حد زیادی، علل ونیز عوامل و قدرتهائی را که بهر ترتیب وتا هر میزان، در تنظیم واجرای آن مداخله داشته‌اند، مشخص میدارد. نتائج حاصله از طرح مزبور را در چند مورد میتوان خلاصه نمود:

الف ـ رژیم "استبداد سیاه" که با تمهید مقدمات وبا حمایت آشکار تمامی سیاستهای استعماری غرب وشرق، برای مسخ انقلاب سیاسی وملی جامعه‌ی ایران و برای اجرای بخش مهمی از طرح "سقوط ایران در این مرحله از تاریخ"، در موضع غاصبانه‌ی "حکومت ایران" قرار گرفته بود، برابر مقاومت وسیع وهمه جانبه مردم ایران، با مشکلات بسیار وحتی احتمال سقوط روبرو شده بود. رژیم "استبداد سیاه" که ارکان متشکله‌ی چپ وراست آن نمودار توافق های پنهانی وآشکار استعمارگران شرق وغرب علیه موجودیت ملت ایران میباشد، میبایست بنوعی تبلیغات دروغین توسل می جست. "داستان گروگان گیری"، تبلیغات وسیع وهمه جانبه‌ای را که رژیم "استبداد سیاه" زیر عنوان مبارزه دروغین با امپریالیسم براه انداخت، نه تنها توانست خود را از سقوط نجات بخشد، بلکه توانست با تشکیل مجلس با اصلاح خبرگان، به تنظیم قانون اساسی جمهوری اسلامی که بطور کلی معارض با حق حاکمیت ملی ومبانی موجودیت ملت ایران است، مبادرت نماید.

گسترش دامنه تبلیغات پیاپی مربوط به ۵۲ تن گروگان، همچنان به رژیم "استبداد سیاه" امکان داد تا در شرائطی که گروه گروه میهن پرستان وآزادیخواهان را به جوخه های اعدام میسپرد ومردم بپاخاسته ایران را در مناطق گوناگون قتل عام مینمود به انتخاب با اصلاح رئیس جمهوری وانتخابات سراپا مخدوش وناشروع و غیرقانونی مجلس شورای رژیم ضدملی حاکم بر ایران بادرت نماید.

بطور قطع یکی از نتائج حاصله از اجرای طرح گروگان گیری، امحاء هرگونه آزادی، نبود صریح رژیم ضدایرانی حاکم بر ایران با هرگونه اندیشه میهن پرستانه وآزادیخواهانه بود.

ب ـ سیستم اداره کننده ایالات متحده آمریکا که پس از جنگ ویتنام و با بجای گذاردن دهها هزار کشته و خسارتهای عظیم مالی حمایت اکثریت قاطع مردم ایالات متحده آمریکا را برای تائید طرح ها و اقدامات تعرضی سیاسی و نظامی در مناطق گوناگون جهان از دست داده بود، با اجرای "طرح گروگان گیری در تهران" و با ایجاد وسیع ترین طیف تبلیغاتی در این مورد، بار دیگر افکار عمومی مردم ایالات متحده آمریکا را از بازگشت بسوی "سیاست مونرو"، به اعتقاد به لزوم حضور فعال سیاسی و نظامی در اقصی نقاط جهان، معطوف نموده

آقای ریگان: شما خود بخوبی میدانید که لااقل یکی از مهمترین عوامل انتخاب شما به ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا و موضع گیری مجدد در قبال جمهوری در موقع اعمال تعرض و شدت عمل در مسائل گوناگون جهان، اجرای "طرح گروگان گیری ۵۲ تن آمریکائی در تهران" بود.

پ ـ از جمله نتائج حاصله از اجرای "طرح گروگان گیری در تهران"، حضور آشکار ناوگان ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس و حضور فعالتر در اوقیانوس هند و بالاخره اعمال نوعی سلطه بر مناطق نفتی خاورمیانه میباشد.

هرچند، این اقدامات، بهرحال از نظر هر جنبش میهن پرست، آزادیخواه و ضد استعمار محکوم است، اما تذکر این نکته مشخص میدارد که براستی چه کسانی و چه سیاستی از اجرای "طرح گروگان گیری در تهران" منتفع شده اند.

ت ـ بانکها و دیگر نهادهای اقتصادی ایالات متحده آمریکا، به انحاء گوناگون میلیاردها دلار موجودی و اعتبارات ملت ایران را که دستر نج میلیونها مردم زحمتکش و درآمد منابع نفتی میهن ما است حیف و میل نموده اند. جای شگفتی نیست که رژیم ضد ایرانی "استبداد سیاه" و عوامل دیگر وابسته به سیاستهای ضد ایرانی، هریک بطریقی، بر چنین یغمای دارائی ملت ایران مهر تائید میزنند.

اما آنچه مسلم است، آنچه از دارائی ملت ایران نزد بانکها و دیگر موسسات آمریکائی و یا هر کشور دیگر بوده و هست، متعلق بملت ایران است. ملت ایران هرگز به چنین یغمای ظالمانه ی دسترنج و دارائی خود تن در نخواهد داد.

آنچه بیان شده، شمه ای از واقعیت های ملموس و منبعث از اصول و بنیادهای تاریخی و اجتماعی ملت ایران و قدرتهای شکل گرفته در پهنه ی جامعه ی بشری است.

اما، سخن آخر اینست که هرگاه در جهان کنونی، بهر ضرورت استقرار نظام عادلانه، در پهنه ی زندگی ملتها اندیشه گردد، هرگاه قرار بر این باشد (که جز این هم نباید باشد) که ملتهای جهان با برخورداری از آزادگی و حق حاکمیت ملی زیست نمایند، که "گوهر وجود انسانی" بعنوان معیار ارزشهای زندگی "شناخته شود، میبایست در این مناسبت از جهان، ملت ایران، بمفهوم وسیع تاریخی و فرهنگی و جغرافیائی آن، یگانگی، نیرومندی و آزادگی و نقش آفرینی خود را بازیابد.

اکنون میلیونها مردم میهن ما مبارزه را برای استقرار حاکمیت ملی، برای رسیدن به آزادیهای اجتماعی و سیاسی، برای صیانت فرهنگ انسانی و هویت ملی خود، ادامه میدهند.

www.iran-archive.com

بیگمان ، هرقدرت وهرملتی که پای بندبه استمرارفرهنگ جامعه‌ی بشری ومعتقد به حفظ اصول آزادگی وصیانت " گوهروجودانسانی " باشد وبخواهدکه براساس اصول یاد شده دربالا این منطقه ازجهان ، دورازستم دیدگی وتزلزل به حیات خودادامه دهد میبایست خواست ملت ایران رابرای یگانه بودن ، آزادزیستن وسرفراززندگی کردن ، پذیراشود .

درپایان ، بیان این نکته نیزضروریه‌نظرمیرسد : ازآنجاکه این نامه ، توضیح دهنده وپاسخگوی بسیاری ازاقدامات وتبلیغات وسیع قدرتها وعوامل گوناگونی است که بنحوی ازانحا دربرنامه " سقوط ایران دراین مرحله‌ا زتاریخ " مداخله داشته اند ، بسبب " نقش خاص وتوجه دهنده مسئولیت " دولت ایالات متحده‌آمریکا ، دراین گونه موارده بخصوص دراین مورد ، این نامه راکه بعنوان ریاست جمهوری ایالات متحده‌آمریکا تنظیم گردیده‌است ، نامه‌ای سرگشاده تلقی نمائید .

پاینده ایران

پاریس : سه شنبه دوازدهم اسفندماه ۱۳۵۹

رهبر حزب پان ایرانیست

محسن پزشکپور " پندار "

www.iran-archive.com